

بررسی رابطه‌ی بین کار آفرینی، محیط کسب و کار و توسعه‌ی اقتصادی در کشورهای عضو دیدهبان جهانی کار آفرینی (GEM)

محسن رضایی میرقائد* - دانشیار گروه کسب و کار، دانشکده‌ی کارآفرینی، دانشگاه تهران
ابوالقاسم عربیون - استادیار گروه کسب و کار، دانشکده‌ی کارآفرینی، دانشگاه تهران
مهدی علیزاده - کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشکده‌ی کارآفرینی، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۷/۲۰ تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۰۱/۳۱

چکیده

توسعه‌ی اقتصادی هدفی مطلوب برای تمام ملت‌ها بوده و نتیجه‌بخش بودن فعالیت‌هایی که در این مسیر انجام می‌شود، نیازمند شناختی دقیق و جامع از متغیرهایی است که در این فرایند نقش دارند. در این میان کارآفرینی نقشی مهم در توسعه‌ی اقتصادی کشورها ایفا می‌کند. مفهوم کارآفرینی چیزی بیشتر از ایجاد شغل است. اگرچه ایجاد شغل یکی از جنبه‌های کارآفرینی است؛ اما تنها یکی از کارکردهای آن است. دیدگاه کارآفرینی مشتمل بر جست‌وجوی فرصت‌ها، پذیرش مخاطرات، پایداری برای محقق کردن ایده‌ها و مفاهیمی از این دست است و به‌طور کلی با مفاهیم توسعه‌ی اقتصادی ارتباطی نزدیک دارد. این پژوهش با بررسی ۵۹ کشور عضو دیدهبان جهانی کارآفرینی نتیجه‌گیری شده است که سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای عضو دیدهبان جهانی کارآفرینی، بر نرخ اشتغال آنها تأثیر مثبت دارد. از سویی دیگر مشخص شده است که سطح این فعالیت‌ها، تولید دانش را نیز به‌طور مثبت تحت تأثیر قرار می‌دهد. سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای عضو دیدهبان جهانی کارآفرینی، بر میزان درآمد سرانه آنها و نیز بر توزیع عادلانه‌ی درآمد این کشورها تأثیر مثبت دارد. بنابراین فعالیت‌های کارآفرینانه از سویی سبب بالا رفتن درآمد سرانه و از سویی دیگر، سبب بهبود توزیع عادلانه‌ی درآمد و ثروت شده و نتیجه‌ی همزمان این دو اثر، افزایش رفاه و سطح زندگی آحاد جامعه خواهد بود. اما دلایل آماری کافی برای تأیید تأثیر مثبت مساعد بودن محیط بر سطح فعالیت‌های کارآفرینانه به‌دست نیامده است.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی، توسعه‌ی اقتصادی، محیط کسب و کار.

مقدمه

وجود فاصله و شکاف بین منابع و امکانات از یک سو و نیازهای گوناگون و فراگیر جامعه‌ی انسانی از سوی دیگر، دخالت و نقش‌آفرینی بشر را اقتضا می‌کند. جوامع پیشرفته‌ی امروزی، توسعه‌ی خود را مدیون انسان‌هایی است که قادر به تبدیل رؤیاهای و ایده‌های خلاقانه‌ی خود به حقیقت بوده‌اند، روحیه‌ی استقلال طلبی برای کاوش موقعیت‌های جدید را داشته‌اند و از جرئت کافی برای مبارزه با روش‌های متداول و جا افتاده برخوردار بوده‌اند. این عواملان تغییر شخصیت و روحیه‌ی داشته‌اند که امروزه به اصطلاح (کارآفرین) نامیده می‌شود. ترکیب جمعیتی جوان کشور و ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی، لزوم رهایی اقتصاد کشور از وابستگی به مواد خام اولیه، به‌ویژه نفت خام و همچنین خروج از وضعیت اقتصاد تک‌محصولی از یک سو و روندهای موجود در جامعه‌ی اطلاعاتی از سوی دیگر، عواملی هستند که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان کلان کشور را وامی‌دارد که به منبع قابل اتکایی به‌جز مواد اولیه بیندیشند و بی‌شک با توجه به الزاماتی که جامعه‌ی اطلاعاتی دارد، این منبع حیاتی چیزی جز خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی نیست (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۸۵).

مفهوم کارآفرینی چیزی بیشتر از ایجاد شغل است. اگرچه ایجاد شغل نیز یکی از جنبه‌های کارآفرینی است؛ اما تنها یکی از کارکردهای آن است. دیدگاه کارآفرینی مشتمل بر جست‌وجوی فرصت‌ها، پذیرش مخاطرات، پایداری برای محقق کردن ایده‌ها و مفاهیمی از این دست است. کارآفرینی نماد کوشش و موفقیت در امور تجاری است، کارآفرینان پیشگامان موفقیت‌های تجاری کنونی هستند. توانایی آنها در بهره‌گیری از فرصت‌ها، نیروی آنها در نوآوری و ظرفیت آنها در قبال موفقیت، به‌عنوان معیاری جهانی برای سنجش کارآفرینی نوین شناخته شده است. کارآفرینان به‌لحاظ رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی پژوهش و توسعه، ایجاد شغل، رقابت، بهره‌وری و تشکیل صنایع جدید، سهم مهمی در رشد اقتصادی دارند (کوراتکو و هاجتس، ۱۳۸۳).

برای بررسی تأثیر کارآفرینی بر توسعه‌ی اقتصادی کشور باید گفت که این بررسی حداقل باید قادر به تشریح نقش کارآفرینان در ایجاد تغییرات ساختاری در اقتصاد کشورها و تبدیل آنها از کشورهای کم‌درآمد با اقتصادی برپایه‌ی مواد خام به جوامعی با درآمد بالا و اقتصادی برپایه‌ی خدمات و فناوری باشد. به‌طور کلی این نوع بررسی‌ها باید قادر به تبیین نقش کارآفرینان برای مقابله با رکود توسعه (از جمله تعارضات) و رشدی برپایه‌ی نوآوری باشند.

اگرچه در زمینه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، نظریه‌ای کلی^۱ وجود ندارد که بر اساس کارآفرینی و دربرگیرنده‌ی گستره‌ای از تجارب توسعه باشد. اغلب پژوهش‌ها در زمینه‌ی درک مفهوم کارآفرینی در فرایند توسعه انجام گرفته است (Naudé, 2008). در این مقاله با نگاهی متفاوت‌تر، به‌ویژه در حوزه‌هایی از توسعه‌ی اقتصادی که ملموس‌تر و دارای آثار ویژه بر زندگی افراد جامعه و پیشرفت کشور دارند، مانند اشتغال، دانش، سطح رفاه و درآمد جامعه، به بررسی مفاهیم کارآفرینی در زمینه‌ی توسعه‌ی اقتصادی پرداخته و درنهایت با بررسی آمارهای ارائه‌شده از منابع بین‌المللی به بررسی روابط بین این مفاهیم با معیارهای توسعه و ارائه‌ی نتایج پژوهش خواهیم پرداخت.

مبانی نظری

با توجه به هدف این پژوهش که بررسی مفاهیم توسعه‌ی اقتصادی ناشی از کارآفرینی است، در ابتدا برای آشکار شدن مفاهیم توسعه‌ی اقتصادی و ایجاد مبنای پژوهش در مورد متغیرهای وابسته، به بررسی ادبیات پژوهش مرتبط با توسعه‌ی اقتصادی و تعاریف آن خواهیم پرداخت. پس از آن، متغیرهای مستقل مورد مطالعه از دید تعاریف و مبانی پژوهشی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. درنهایت، روابط بیان‌شده در ادبیات برای ارتباط این متغیرها با همدیگر و ارائه‌ی مدل پژوهش برای آزمون آماری بررسی خواهند شد.

توسعه‌ی اقتصادی از دید متوسلی (۱۳۸۷)، آرمانی ملی و مردمی برای کشورهاست و مردم تمایل به بهبود توان و ظرفیت مادی و معنوی کشورشان دارند تا در پناه تکامل این ظرفیت‌ها، کشوری قدرتمند و سرافراز در جامعه‌ی جهانی داشته باشند. برای بررسی مفهوم توسعه‌ی اقتصادی باید بیان کنیم که توسعه‌ی اقتصادی چیزی بیشتر از رشد اقتصاد است. توسعه‌ی اقتصادی از دیدگاه واژه‌نامه‌ی کسب‌وکار^۱ به‌عنوان معیار کیفی پیشرفت اقتصادی تعریف شده است که اشاره به توسعه و بهره‌گیری از فناوری‌های نو، گذر از اقتصاد مبتنی بر کشاورزی، به اقتصاد صنعت‌محور و بهبود کلی در استانداردهای زندگی دارد (Business Dictionary, 2011). اما متوسلی (۱۳۸۷) توسعه‌ی اقتصادی را وابسته به تحقق سه شرط می‌داند:

۱. امکان دسترسی بیشتر به کالاها و خدمات تداوم‌بخش حیات انسان مانند: غذا، مسکن و پوشاک؛
۲. افزایش سطح و استانداردهای زندگی و بهره‌مندی انسان‌ها از مواهب مادی (درآمدهای بالاتر، درصد اشتغال بیشتر و...)
۳. گسترش دامنه‌ی گزینه‌ها و انتخاب‌های ملت‌های مختلف در زندگی، ارتقای حقوق مدنی، آزادی اندیشه‌ها، برابری در برابر قانون، از بین بردن تبعیض‌ها، رهایی از هر نوع قیدوبندهای وابستگی و بردگی و مواردی از این دست (متوسلی، ۱۳۸۷).

از دیدگاه مایکل پورتر (۲۰۰۰)، توسعه‌ی اقتصادی به‌دنبال کسب نوعی توسعه‌ی پایدار در استانداردهای زندگی افراد جامعه و ایجاد عدالت در قدرت خرید افراد است. استاندارد زندگی بر اساس بهره‌وری در اقتصاد ملت‌ها تعیین می‌شود. این بهره‌وری از طریق کالاها و خدمات تولید شده، به‌ازای بهره‌گیری میزان مشخصی از منابع انسانی، سرمایه‌ای و فیزیکی سنجیده می‌شود. مفهوم بیان‌شده برای بهره‌وری در اینجا بیانگر ارزش‌های ایجاد شده از یک سو و کارایی عناصر تولید را دربرمی‌گیرد (Porter, 2000)؛ یعنی می‌توان بیان کرد که علاوه بر ایجاد کالاها و خدمات بیشتر، درآمد بالاتر، ارتقای بهره‌وری نیز از دسته عناصر توسعه‌ی اقتصادی شمرده می‌شود.

از تعاریف بیان‌شده برای توسعه‌ی اقتصادی، می‌توان دریافت که تعریفی جامع و مورد قبول همه‌ی صاحب‌نظران برای این پدیده وجود ندارد و مرزهای مشخصی برای این موضوع ترسیم نشده است؛ اما برخی از متغیرها مانند، درآمد ملی، تولید ملی، رفاه و استاندارد زندگی، ارتقای بهره‌وری، رشد دانش) در بیشتر تعاریف مشترک هستند. بنابراین در ادامه

به بررسی مفاهیم اشتغال، دانش‌آفرینی، درآمد و رفاه جامعه و درنهایت، نقش متغیر محیط کسب‌وکار در رابطه میان کارآفرینی و متغیرهای بیان‌شده می‌پردازیم.

نقش کارآفرینی و کسب‌وکارهای کوچک در توسعه‌ی اشتغال دست‌کم دو دلیل آشکار دارد:

۱. استفاده از فناوری‌های نوین، اهمیت سودهای ناشی از تولید انبوه (ایجاد شده توسط کسب‌وکارهای بزرگ) را در بسیاری از بخش‌های اقتصاد کاهش داده است.

۲. به نظر می‌رسد سرعت فزاینده‌ی نوآوری و کوتاه‌تر شدن چرخه‌ی عمر محصولات و فناوری‌ها، مطلوب کسب‌وکارهای تازه‌وارد و کوچک باشد که این کسب‌وکارها با انعطاف‌پذیری بالای خود نسبت به کسب‌وکارهای بزرگ، توانایی بیشتری برای رویارویی با تغییرات بنیادین دارند.

بنابراین در چنین شرایطی انتظار می‌رود که نرخ بالای شکل‌گیری کسب‌وکارهای جدید، عاملی پویا برای توسعه‌ی اقتصادی و رشد اشتغال باشد (Baptista, Escária, & Madruga, 2008). به‌طور معمول از کارآفرینی به‌عنوان گرایش افراد به در دست گرفتن نوآوری عمل برای راه‌اندازی کسب‌وکار شخصی، کارکردن برای خود و ایجاد شغل برای دیگران یاد می‌شود (Fonseca, Lopez-Garcia, & Pissarides, 2001). بنابراین گمان می‌رود میان فعالیت‌های کارآفرینانه و ایجاد کسب‌وکار و به‌دنبال آن اشتغال‌زایی، ارتباط وجود داشته باشد. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کارآفرینی سبب ایجاد بسیاری از مشاغل می‌شود. از سوی دیگر، مطالعات بسیاری نیز نشان داده‌اند که نرخ تعطیلی کسب‌وکارها سبب افزایش بیکاری می‌شود (Georgiou, 2009). در برخی از کشورها مانند کانادا، بخش بزرگی از رشد اشتغال ایجاد شده در پنج سال اول دهه‌ی ۹۰ میلادی، ناشی از خوداشتغالی و کسب‌وکارهای کوچک بوده است. در ایالات متحده‌ی آمریکا در سال ۱۹۹۵، کسب‌وکارهای کوچک (اغلب بین ۱ تا ۴ نفر کارمند) ۴۵۰,۰۰۰ شغل یا به‌گفته‌ی دیگر، ۳۵ درصد از کل مشاغل ایجاد شده‌ی آن سال را به‌وجود آورده بودند (Arzeni, 1998). جالب اینجاست که سهم اشتغال‌زایی ۵۰۰ شرکت بزرگ ایالات متحده که فورچون ۱۵۰۰ نیز نامیده می‌شوند، از ۲۰ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۸/۵ درصد در سال ۱۹۹۶ رسیده است (Wennekers & Thurik, 1999). در نتیجه بالا بردن سطح فعالیت‌های کارآفرینانه، سبب کاهش نرخ بیکاری می‌شود که این موضوع مبنای فرضیه‌ی اول پژوهش پیش رو را شکل می‌دهد.

توسعه به‌عنوان افزایش توانمندی‌ها و بهبود شایستگی‌ها نیز تعریف گردیده است. به‌گفته‌ی دیگر، کارهایی که توانمندی‌های انسان را در زمینه‌های مختلف عمق و گسترش می‌دهد، عوامل پیش‌برنده‌ی توسعه و اقدامات و شرایط کاهنده‌ی توانمندی‌های انسان، عوامل بازدارنده‌ی توسعه هستند (متوسلی، ۱۳۸۷). بنابراین با توجه به توانمندی انسان به‌هنگام برخورداری از دانش، می‌توان دانش را عنصری اساسی در فرایند توسعه دانست.

از دیدگاه شومپتر^۲ کارآفرین فردی است که ترکیبات جدید ایجاد می‌کند و کارآفرینی عبارت است از عرضه‌ی کالایی جدید، روشی جدید در فرایند تولید، ایجاد بازاری جدید، یافتن منابع جدید و ایجاد هرگونه سازمان جدید در

کسب‌وکار (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۸۵). یا به‌گفته‌ی دیگر، نوآوری عمده‌نقش کارآفرین را در برمی‌گیرد (احمدپور داریانی، ۱۳۸۷). نوآوری عاملی است که سبب خلق دانش جدید می‌شود. فیشر (۲۰۰۱) در پژوهش خود چنین نتیجه‌گیری کرده است که نوآوری، به‌عنوان فرایندی اجتماعی، در نهادهای جامعه جای می‌گیرد و بر بافت و نمودهای نهادی (شامل نهادهای رسمی و غیر رسمی) در جامعه تأکید دارد و این نهادها زمینه‌ی خلق و توزیع دانش در جامعه هستند (Fischer, 2001).

فعالیت‌های کسب‌وکار در کشور را می‌توان منبعی برای خلق دانش در جامعه شمرد. توسعه‌ی محصولات و خدمات جدید در این کسب‌وکارها منبع خلق دانش است. در فرایند توسعه‌ی محصولات جدید، از مرحله‌ی تولید ایده تا پرتاب محصول به بازار، خلق دانش جدید را می‌توان زمینه‌ی اصلی فعالیت‌ها دانست (Madhavan & Grover, 1998). مطالعات انجام یافته‌ی اسمیت و همکاران (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که نرخ معرفی محصولات و خدمات جدید، تابعی از توانایی افراد سازمان‌ها برای ترکیب و مبادله‌ی دانش است (Smith, Collins, & Clark, 2005).

از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز^۱ کسب‌وکارها - که گونه‌ای از فعالیت‌های کارآفرینانه هستند - نیز، نقش به‌سزایی در خلق دانش بازی می‌کنند. فعالیت سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز کسب‌وکار، سبب تسهیل یادگیری می‌شود. کسب‌وکارها پیش از سرمایه‌گذاری، بررسی‌های دقیقی در مورد طرح‌های پیشنهادی انجام می‌دهند و به بررسی طرح‌های توجیهی، منابع فنی، محصولات پیشنهادی و بررسی‌های بازار می‌پردازند. این فرایند برای کسب‌وکار، فرصت ارزشمندی برای یادگیری تمام جنبه‌های کسب‌وکار، پیش از تعهد سرمایه‌گذاری فراهم می‌آورد. پس از سرمایه‌گذاری کسب‌وکارها سازوکارهای گوناگونی را برای تعامل با کسب‌وکار و یادگیری از طریق آن نهادینه می‌کنند (Wadhwa & Kotha, 2006). نتیجه‌ی منطقی یادگیری و خلق دانش جدید توسط کسب‌وکارهای کارآفرین، می‌تواند خلق دانش در سطح ملی و بهبود ذخیره‌ی دانشی کشور باشد.

فعالیت‌های کارآفرینانه، افزون بر سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز، اشکال دیگری نیز در نهادهای اجتماعی (مانند سازمان‌ها) به‌خود می‌گیرد. بر اساس نظر شومپتر^۲، ایجاد سازمان‌های جدید نیز، از دسته نمودهای کارآفرینی هستند (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۸۵). نمونه‌ای از این سازمان‌های جدید، همکاری‌های راهبردی کسب‌وکارها با همدیگر هستند. میزان دانش ایجاد شده در این همکاری‌ها نیز درخور توجه است. مطالعات فان و پریدیس (۲۰۰۰) نشان داده‌اند که همکاری‌های راهبردی سازمانی، می‌تواند منبع شایان توجهی برای یادگیری و خلق دانش جدید در کسب‌وکارها (و در پی آن، در جوامعی که این کسب‌وکارها در آنها فعالیت می‌کنند) باشند. تا جایی که حتی تعارضات بین طرف‌های درگیر در همکاری راهبردی نیز در ایجاد دانش دخیل است. بدین‌گونه که این تنش‌ها فرصت‌هایی برای چالش مفروضات و الگوهای فکری همدیگر فراهم آورده و منجر به دیدگاه‌های نو و راهکارهای جدید می‌شوند (Phan & Peridis, 2000).

1. Corporate venture capital (CVC)
2. Schumpeter

به طور کلی می‌توان این‌گونه برداشت کرد که فعالیت‌های کارآفرینانه و نوآورانه کسب‌وکارها، چه در بخش تولید کالاها یا خدمات جدید باشد و چه در مورد سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز و همکاری‌های راهبردی، سبب خلق دانش برای کسب‌وکارها می‌شوند. با توجه به اینکه کسب‌وکارها در اجتماع فعالیت می‌کنند، خلق دانش توسط آنها، در نهایت به بهبود سطح دانش در جامعه و تقویت بنیان‌های دانشی کشور منجر خواهد شد.

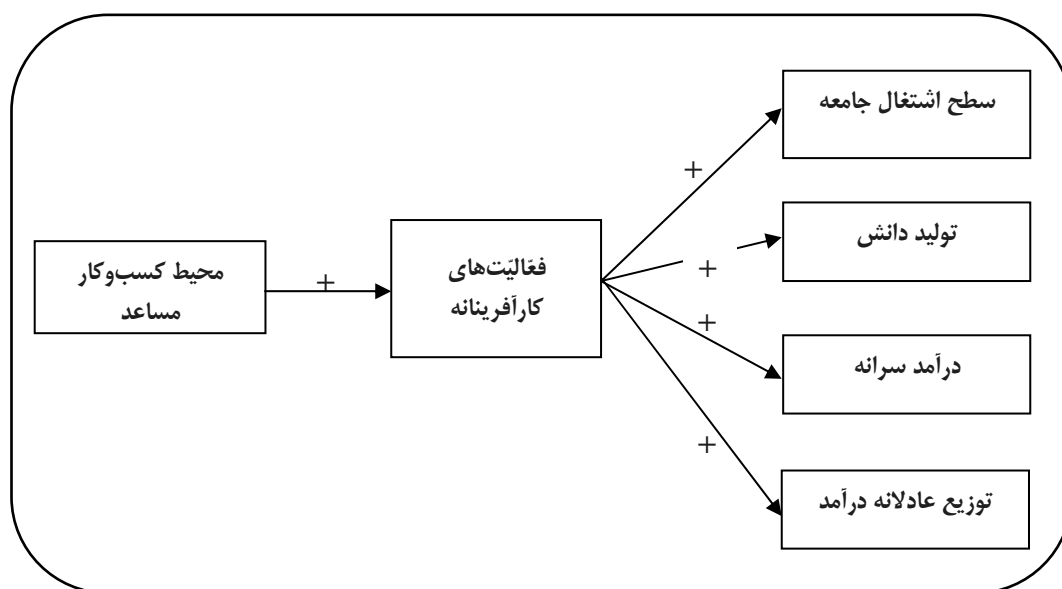
دستاوردهای تمرکز کارآفرینان بر نوآوری در محصولات، تولیدات، فناوری‌ها و بازارهایشان، نقشی اساسی در رشد اقتصادی بازی می‌کند. سمت‌وسوی فعالیت آنان با اهدافی که دارند معین می‌شود و شامل ثروت، توانمندی و اعتبار اجتماعی است (Baumol & Strom, 2007). مطالعات بسیاری در زمینه‌ی بررسی ارتباط بین کارآفرینی و رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص^۱) داخلی انجام یافته است. با توجه به دیدگاه‌های تاریخی کارآفرینی، مباحث نظری و تشریحی که کارآفرینی را در ارتباط با رشد اقتصادی بررسی می‌کنند، پیشنهاد می‌کنند که کارآفرینی از طریق معرفی نوآوری‌ها، ایجاد تغییر، ایجاد رقابت و بهبود رقابت، به عملکرد اقتصادی مطلوب کمک می‌کنند (Wong, Ho, & Autio, 2005). در این حالت نتیجه‌ی ممکن آن است که در نهایت، درآمد کلی جامعه نیز بالا رفته و به بیان دیگر، درآمد سرانه‌ی جوامع نیز بهبود یابد. اما آیا می‌توان انتظار داشت که با افزایش درآمد سرانه ناشی از فعالیت‌های کارآفرینانه، سطح رفاه افراد در جامعه نیز بالا رود؟ در جواب باید گفت که پاسخ این پرسش، بستگی به توزیع درآمد ناشی از فعالیت‌های کارآفرینانه دارد. در این مورد شومپتر بیان می‌کند که کارآفرینی به معنای نوآوری به وسیله‌ی کسب‌وکارهای مستقلی است که سبب تخریب خلاق شده و به توزیع مجدد و عادلانه‌ی ثروت منجر می‌شوند. از سوی دیگر، نتایج پژوهش‌های تجربی نیز حکایت از وجود رابطه بین کارآفرینی و توزیع مجدد درآمد و ثروت دارند. چنانکه نتایج مطالعات کریشهف (۱۹۹۴) نشان می‌دهد، بین کارآفرینی برپایه‌ی فناوری و توزیع مجدد ثروت رابطه وجود دارد. دلیل این پدیده را شاید بتوان چنین توضیح داد که کسب‌وکارهای جدید، سبب به وجود آمدن فرصت‌های اقتصادی جدید می‌شوند که این فرصت‌ها توسط خود آنها یا دیگران قابل استفاده هستند یا به گونه‌ای سبب بهبود فناوری شود. پدیدآورندگان این فناوری‌ها به همراه گروه‌هایی که به کار تجاری‌سازی می‌پردازند، همان کارآفرینان شومپتری هستند. تخریب بازارهای موجود از طریق ایجاد کاربرد برای فناوری‌های نو، سازوکار لازم برای توزیع مجدد ثروت است (Spencer, Kirchoff, & White, 2008).

فعالیت کسب‌وکارها در فضاهایی انجام می‌گیرد که متشکل از نیروهای گوناگون هستند. بر ایند این نیروها تأثیرات گوناگونی بر فعالیت کسب‌وکارها و عملکرد آنها دارد و این به نوبه‌ی خود، سبب تأثیرات غیر مستقیم بر عواملی می‌شود که توسط فعالیت‌های کسب‌وکار متأثر می‌شوند. پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که ویژگی‌های محیط خارجی کسب‌وکارها، عوامل مهم و پیش‌بینی‌کننده برای بروز کارآفرینی آنها است. در محیط‌های پویا و توأم با رشد، کسب‌وکارها تمایل بیشتری برای ایجاد کسب‌وکارهای جدیدتر و نوآوری دارند. این نوآوری را می‌توان در چهارچوب فعالیت‌های بازتعریف‌شده‌ی فعالیت‌ها توسط کسب‌وکارها نیز مشاهده کرد. در محیط‌هایی که کسب‌وکارها با رقابت بیشتری روبه‌رو

1. GDP

هستند، کسب‌وکارها بیشتر به بازتعریف فعالیت‌های جاری خود اقدام می‌کنند. عکس این قضیه نیز صادق است؛ یعنی در محیط‌های ایستا و بدون تغییر، فعالیت‌های نوسازی کسب‌وکار و اقدام به سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز توسط کسب‌وکارها پایین‌تر است. از سویی دیگر، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در محیط‌های مساعد برای کسب‌وکار، اقدام به سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز و فعالیت‌های نوسازی توسط کسب‌وکارها بیشتر است (Zahra, 1993). یکی از شاخص‌هایی که برای سنجش مساعد بودن محیط فعالیت کسب‌وکارها به کار می‌رود، شاخص سهولت کسب‌وکار است که از سوی بانک جهانی ارائه می‌شود. این شاخص از سهولت آغاز کسب‌وکار گرفته تا پایان فعالیت کسب‌وکار در محیط را دربرمی‌گیرد.

با توجه به مفاهیم بیان شده در مورد ارتباط محیط کسب‌وکار با فعالیت‌های کارآفرینانه و به تبع آن سطح اشتغال و تولید دانش در کشور، مدل پژوهش به شکل زیر مفهوم‌سازی می‌شود.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

با توجه به اینکه در این پژوهش ۱. نیاز به سنجش متغیرها وجود دارد؛ ۲. تأثیر متغیرها بر یک نتیجه ارزشیابی می‌شود؛ ۳. نوع پژوهش تبیین است و ۴. نتایج برای تعداد زیادی از افراد (کسب‌وکارها) قابل کاربرد است (دانایی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۷)، بنابراین رویکرد کمی برای این پژوهش انتخاب شده است. بررسی روابط همبستگی، از طریق آزمون پیرسون انجام شده است و برای آزمون مدل مفهومی پژوهش نیز، از روش همبستگی و به‌طور مشخص از تحلیل‌های رگرسیونی خطی استفاده می‌شود.

جامعه‌ی آماری این پژوهش را ۵۹ کشور عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)^۱ تشکیل می‌دهند. داده‌های مرتبط با سطح فعالیت‌های کارآفرینانه بر اساس شاخص جهانی کارآفرینی که از سوی اکس و سرب (۲۰۱۰) بیان شده گردآوری شده‌اند. این شاخص دربرگیرنده‌ی طیف وسیعی از متغیرها در چهارچوب سه گروه از سازه‌های زیر است:

۱. **نگرش‌ها:** شامل ادراک از فرصت، مهارت آغاز به کار، عدم ترس از شکست، شبکه‌سازی و حمایت فرهنگی.

۲. **فعالیت‌ها:** آغاز به کار بر اساس فرصت، بخش فناوری، کیفیت منابع انسانی و ساختار رقابت.

۳. **گرایش‌ها:** محصولات جدید، فناوری‌های جدید، رشد بالا، جهانی‌سازی و سرمایه‌ی مخاطره (AcS & Szerb, 2011).

با توجه به جامعیت این شاخص، کاربرد آن برای این پژوهش مناسب تشخیص داده شد.

متغیر میزان تولید دانش در اقتصاد کشور که توسط بانک جهانی ارائه شده، از طریق شاخص اقتصاد مبتنی بر دانش^۲ به کارگرفته شده است. این شاخص میزان آمادگی کشور را برای فعالیت در اقتصاد دانشی نشان می‌دهد. این متغیر بر اساس چهار متغیر زیر محاسبه می‌شود:

۱. نظام نهادی و مشوق اقتصادی (EIR)^۳؛

۲. تحصیل و آموزش؛

۳. نوآوری و اتخاذ فناوری‌ها؛

۴. زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری اطلاعات (Worldbank, 2008).

برای تعیین میزان مساعد بودن محیط برای فعالیت کارآفرینانه از شاخص سهولت کسب‌وکار در کشورهای مورد بررسی استفاده شده است. این شاخص که توسط بانک جهانی ارائه می‌شود، از ۱۰ شاخص فرعی تشکیل شده است که از شاخص‌هایی مانند سهولت آغاز کسب‌وکار گرفته تا سهولت پایان فعالیت بنگاه را دربرمی‌گیرند. براساس این گزارش، شاخص‌های فرعی مذکور، قوانین و حقوق کسب‌وکار و میزان حمایت از حقوق مالکیت و تأثیر آن بر انواع کسب‌وکارها، به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط را اندازه‌گیری می‌کند. داده‌های مربوط به سطح اشتغال و بیکاری جامعه‌ی هدف، از تارنمای اقتصاد تجارت^۴ گرفته شده است (Tradingeconomics, 2011). متغیر درآمد سرانه بر اساس داده‌های مرجع شاخص‌ها^۵ محاسبه شده است (Indexmundi, 2011) و درنهایت برای گردآوری داده‌های مرتبط با توزیع عادلانه‌ی درآمد در کشورهای مورد بررسی، از ضریب جینی ارائه‌شده از سوی سازمان ملل متحد، به نقل از مرجع نیشن مستر^۶ بهره گرفته شده است (Nationmaster, 2011).

فرضیه ۱: سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی، بر نرخ اشتغال در آنها تأثیر

مثبت دارد.

1. Global Entrepreneurship Monitor
2. KEI
3. Extractive Industries Review
4. Trading economics
5. Indexmundi
6. Nation master

فرضیه ۲: سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی، بر میزان تولید دانش در آنها تأثیر مثبت دارد.

فرضیه ۳-۱: سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی، بر میزان درآمد سرانه در آنها تأثیر مثبت دارد.

فرضیه ۳-۲: سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی، بر توزیع عادلانه‌ی درآمد در آنها تأثیر مثبت دارد.

فرضیه ۴: سهولت کسب‌وکار در محیط کشور، میزان کل فعالیت‌های کارآفرینانه را به‌طور مثبت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تعریف مفهومی متغیرهای پژوهش

تعریف کوتاه و مفهومی متغیرهای این پژوهش در جدول شماره‌ی ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. تعریف مفهومی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعریف مفهومی
شاخص سهولت کسب‌وکار	شاخص ارائه‌شده‌ی بانک جهانی، مرکب از ده شاخص فرعی که از سهولت آغاز به کسب‌وکار تا سهولت پایان فعالیت کسب‌وکار را نشان می‌دهد.
سطح فعالیت‌های کارآفرینانه	شاخص جهانی کارآفرینی بر مبنای سه گروه از شاخص‌های فرعی: ۱. نگرش‌ها: شامل ادراک از فرصت، مهارت آغاز به کار، عدم ترس از شکست، شبکه‌سازی و حمایت فرهنگی. ۲. فعالیت‌ها: آغاز به کار بر اساس فرصت، بخش فناوری، کیفیت منابع انسانی و ساختار رقابت. ۳. گرایش‌ها: محصولات جدید، فناوری‌های جدید، رشد بالا، جهانی‌سازی و سرمایه‌ی مخاطره
نرخ اشتغال	درصدی از نیروی کار که در استخدام باشند. به بیان دیگر، تفاضل درصد افراد ۱۶ سال به بالا که در طول هفته‌ی مرجع در دسترس و بیکار بوده‌اند (از عدد ۱). این درصد شامل عوامل موقتی مانند بیماری و مانند آن نمی‌شود.
شاخص اقتصاد دانشی	میزان آمادگی کشور برای فعالیت در اقتصاد دانشی که بر اساس این چهار متغیر محاسبه می‌شود: ۱- نظام نهادی و مشوق اقتصادی (EIR)، ۲- تحصیل و آموزش، ۳- نوآوری و اتخاذ فناوری‌ها و زیرساخت‌های اطلاعاتی، ۴- فناوری اطلاعات.
درآمد سرانه	حاصل تقسیم تولید ناخالص داخلی بر جمعیت کشور
توزیع عادلانه‌ی درآمد (ضریب جینی)	ضریب جینی عددی است بین صفر و یک (یا صفر و صددرصد) که در آن صفر به‌معنای توزیع کاملاً برابر درآمد یا ثروت و یک به‌معنای نابرابری مطلق در توزیع است.

بحث و یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بین فعالیت‌های کارآفرینانه و نرخ اشتغال در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی، همبستگی مثبت وجود دارد (ضریب همبستگی: ۰/۳۶۲ و سطح اطمینان ۰/۹۵). این ضریب برای همبستگی بین فعالیت‌های کارآفرینانه و شاخص اقتصاد دانشی با سطح اطمینان ۹۹ درصد، برابر با ۰/۸۸۵ است. ارتباط همبستگی بین دو متغیر فعالیت‌های کارآفرینانه و درآمد سرانه در سطح اطمینان ۹۹ درصد، برابر با ۰/۹۱۵ و فعالیت‌های کارآفرینانه با توزیع عادلانه‌ی درآمد با ۹۹ درصد اطمینان، ۰/۵۲۵ است. درنهایت، همبستگی بین سهولت کسب‌وکار و فعالیت‌های کارآفرینانه نیز در سطح اطمینان ۹۹ درصد، برابر با ۰/۷۴۳ به‌دست آمده است. نتایج بیان‌شده و ارتباط بین دیگر متغیرهای پژوهش در جدول شماره‌ی ۲ نشان شده است.

جدول ۲. روابط همبستگی بین متغیرهای پژوهش

توزیع عادلانه‌ی درآمد	درآمد سرانه	شاخص اقتصاد دانشی KEI	سهولت کسب‌وکار	شاخص فعالیت‌های کارآفرینانه	
				۰/۷۴۳**	سهولت کسب‌وکار
			۰/۷۰۵**	۰/۸۸۵**	شاخص اقتصاد دانشی KEI
		۰/۹۰۶**	۰/۶۶۷**	۰/۹۱۵**	درآمد سرانه
	۰/۵۷۵**	۰/۵۷۷**	۰/۴۳۸**	۰/۵۲۵**	توزیع عادلانه درآمد
۰/۰۳۴	۰/۳۰۵*	۰/۲۷۶*	۰/۱۷۵	۰/۳۶۲*	نرخ اشتغال

روابطی که بیان شد، نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی هم‌زمانی و تغییرات هماهنگ متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش هستند. برای تعیین روابط علی و آثار متغیرها بر همدیگر و آزمون فرضیه‌های پژوهش، از رگرسیون خطی استفاده کرده‌ایم. نتایج این آزمون‌ها به شرح زیر است:

– نتایج آزمون رگرسیون برای بررسی فرضیه‌ی اول این پژوهش، یعنی تأثیر مثبت سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی بر نرخ اشتغال در آنها، حکایت از وجود معناداری برای آزمون ANOVA، ($\alpha = 0.05$) یا به سخن دیگر، خطی بودن این رابطه دارد. بنابراین با توجه به ضریب همبستگی مثبت و معنادار بین این دو متغیر (ضریب بتا = ۰/۳۶۲)، فرضیه‌ی اول پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. معادله‌ی خط رگرسیون برای این رابطه به شکل: $Y = 76/599 + 30/212 X$ به‌دست می‌آید.

– بررسی آماری برای فرضیه‌ی دوم پژوهشی که تأثیر مثبت فعالیت‌های کارآفرینانه بر تولید دانش در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی را مفروض داشته بود، نشان می‌دهد که این رابطه خطی بوده (ANOVA، $\alpha = 0.05$) و تأثیر فعالیت‌های کارآفرینانه بر شاخص اقتصاد دانشی مثبت است (ضریب بتا = ۰/۸۸۵) و

معادله‌ی خط رگرسیون برای رابطه به شکل: $Y = ۲/۹۰۱ + ۱۰/۲۳۲ X$ به دست می‌آید و در نهایت اینکه فرضیه‌ی دوم نیز مورد تأیید است.

– نتیجه‌ی آزمون رگرسیون برای بررسی بخش اول فرضیه‌ی سوم پژوهش، یعنی تأثیر مثبت سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی بر میزان درآمد سرانه در آنها، نشان می‌دهد که رابطه‌ی بین این دو متغیر خطی بوده و (ANOVA, $sig = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$) فعالیت‌های کارآفرینانه به‌طور مثبت، درآمد سرانه افراد کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بدین طریق فرضیه‌ی ۳-۱ مورد تأیید قرار می‌گیرد. معادله‌ی رگرسیون برای این رابطه به صورت $Y = -۵۸۶۶/۰۹۸ + ۷۲۲۶۶/۷۹۰ X$ خواهد بود. نتایج آماری برای قسمت دوم فرضیه سوم نیز نشان می‌دهد که خطی بودن رابطه‌ی بین فعالیت‌های کارآفرینانه و توزیع عادلانه‌ی درآمد و ثروت پذیرفته‌شده (معناداری آزمون ANOVA, $sig = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$) و از سوی دیگر این تأثیر مثبت و معنادار است (ضریب بتا = $۰/۵۲۵$). بنابراین بخش دوم فرضیه‌ی سوم (فرضیه ۳-۲) نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

– آخرین فرضیه‌ی این پژوهش مربوط به تأثیر مثبت سهولت کسب‌وکار (مساعد بودن محیط کسب‌وکار) بر فعالیت‌های کارآفرینانه است. نتیجه‌ی آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که خطی بودن این رابطه از طریق آزمون ANOVA پذیرفته شده است (ANOVA, $sig = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$)، اما دلایل کافی برای اثبات تأثیر مثبت مساعد بودن محیط کسب‌وکار بر سطح فعالیت‌های کارآفرینانه بر اساس داده‌های این پژوهش وجود ندارد (معناداری ضرایب در آزمون رگرسیون برابر با $۰/۲۶۸ < ۰/۰۵$) و نتیجه اینکه فرضیه‌ی چهارم پژوهش، مبنی بر تأثیر مثبت محیط مساعد کسب‌وکار بر فعالیت‌های کارآفرینانه، بر اساس داده‌های موجود پشتیبانی نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

این مقاله بر اساس ادبیات پژوهش و داده‌های آماری به بررسی تأثیر فعالیت‌های کارآفرینانه بر متغیرهای مرتبط با توسعه‌ی اقتصادی مانند اشتغال، توسعه‌ی دانش، درآمد سرانه، توزیع عادلانه‌ی درآمد و تأثیر محیط کسب‌وکار کشورها بر اساس مساعد بودن فضای کسب‌وکار، بر فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی پرداخته است. داده‌های مربوط به ۵۹ کشور عضو این سازمان بررسی شده و پس از تحلیل‌های همبستگی و رگرسیون خطی نتایج زیر به دست آمده است:

سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی، بر نرخ اشتغال در آنها تأثیر مثبت دارد (فرضیه‌ی ۱ تأیید شده است).

از سویی دیگر، سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی، بر میزان تولید دانش در آنها تأثیر مثبت دارد (فرضیه‌ی ۲ تأیید شد).

سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی، بر میزان درآمد سرانه در آنها نیز تأثیر مثبت دارد (فرضیه‌ی ۱-۳ تأیید شد).

به‌طور همزمان سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی، بر توزیع عادلانه‌ی درآمد در آنها تأثیر مثبت دارد (فرضیه‌ی ۲-۳ تأیید شد).

بنابراین فعالیت‌های کارآفرینانه از سویی سبب بالا رفتن درآمد سرانه و از سویی دیگر، سبب بهبود توزیع عادلانه‌ی درآمد و ثروت شده و نتیجه‌ی همزمان این دو اثر، افزایش رفاه و سطح زندگی آحاد جامعه خواهد بود. اما دلایل آماری کافی برای تأثیر مثبت مساعد بودن محیط (بر مبنای شاخص سهولت کسب‌وکار) (فرضیه‌ی ۴) بر فعالیت‌های کارآفرینانه وجود نداشته و فرضیه‌ی مذکور توسط داده‌های آماری این پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

درنهایت می‌توان بیان کرد که کشورهایی که به‌دنبال توسعه‌ی اقتصادی در ابعاد اشتغال، تولید دانش، درآمد و توزیع عادلانه‌ی آن هستند، باید سطح فعالیت‌های کارآفرینانه را بهبود داده و با بازنگری در ساختارهای سنتی و مبتنی بر صرف عوامل تولید، به‌طور جدی‌تر به گسترش و توسعه‌ی کارآفرینی بپردازند. در این میان کشور ما، به‌عنوان یکی از کشورهای که در جامعه‌ی مورد بررسی این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است، به‌نسبت کشورهای که در خارج از این حیطه قرار داشته‌اند، بیشتر می‌تواند از نتایج این پژوهش و پژوهش‌هایی از این دست سود ببرند. با توجه به آثار گسترده‌ی کارآفرینی بر متغیرهای مرتبط با توسعه‌ی اقتصادی که در این پژوهش آشکار شد، لزوم توجه بیشتر پژوهشگران کشورمان در راستای افزایش آگاهی جامعه‌ی علمی در این زمینه احساس می‌شود. از طرف دیگر، توجه تصمیم‌گیرندگان و قانون‌گذاران کشور به فراهم آوردن امکانات و تسهیلات لازم برای کارآفرینی نیز بیش از پیش احساس می‌شود. بدین طریق با گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه، امید می‌رود کشورمان هرچه بیشتر در مسیر توسعه‌ی اقتصادی، دانشی و رفاه عموم مردم کامیاب شود.

منابع

1. Acs, Z. J., & Szerb, L., 2011, **The Global Entrepreneurship and Development Index (GEDI)**, Edward Elgar.
2. Publishers Ahmadpour Dariyani, M., 2008, **Entrepreneurship, Definitions Theories and Models**, Jajarmi, Tehran. (in Persian)
3. Ahmadpour Dariyani, M. & Moghimi, S. M., 2008, **Foundamentals of Entrepreneurship**, Faraandish, Tehran. (in Persian)
4. Arzeni, S., 1998, **Entrepreneurship and Job Creation**, OECD Observer, 18-20.
5. Baptista, R., Escária, V. & Madruga, P., 2008, **Entrepreneurship, Regional Development and Job Creation: the Case of Portugal**, Small Business Economics, Vol. 30, No. 1, PP.49-58.
6. Baumol, W. J. & Strom, R. J., 2007, **Entrepreneurship and Economic Growth**, Strategic Entrepreneurship Journal, Vol. 1, No. 3-4, PP. 233-237.
7. Danaee Fard, H., Alvani, M., and Azar, A., **Methodology of Quantitative Research in Management: A Comprehensive Approach**, Tehran, Saffar Publication. (in Persian)

8. Businessdictionary, 2011, **Economic Development**, Retrieved From: <http://www.businessdictionary.com/definition/economic-development.html>.
9. Fischer, M. M., 2001, **Innovation, Knowledge Creation and Systems of Innovation**, the Annals of Regional Science, Vol. 35, No. 2, PP. 199-216.
10. Fonseca, R., Lopez-Garcia, P. & Pissarides, C. A., 2001, **Entrepreneurship, Start-up Costs and Employment**, European Economic Review, Vol. 45, No. 4-6, PP. 692-705.
11. Georgiou, M. N., 2009, **Entrepreneurship Causes Economic Growth: An Empirical Analysis for Western European Countries and the United States 1990-2004**, Social Science Research Network (SSRN), Available for Free From: <Http://Papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm>.
12. Indxmundi, 2011, **Country Comparison > GDP - Per Capita (PPP)**. From <Http://www.indexmundi.com/g/r.aspx?c=mr&v=67>.
13. Kuratko, D., F. & Hudgets, R. M., 2001, **Entrepreneurship: a Contemporary Approach**, Ferdosi University, Mashhad. (*in Persian*)
14. Madhavan, R. & Grover, R., 1998, **From Embedded Knowledge to Embodied Knowledge: New Product Development as Knowledge Management**, the Journal of Marketing, Vol. 62, No. 4, PP. 1-12.
15. Motevaseli, M., 2008, **Economic Development, Concepts, Theoretical Basics, Institutional and Methodologic Approach**, SAMT, Tehran. (*in Persian*)
16. Nationmaster, 2011, **Economy Statistics > Income Equality > UN Gini Index (Most Recent) by Country**, from http://www.nationmaster.com/graph/eco_inc_equ_un_gin_ind-income-equality-un-gini-index
17. Naude, W. A. (2008). **Entrepreneurship in Economic Development**, United Nations University, Helsinki, Finland.
18. Phan, P. & Peridis, T., 2000, **Knowledge Creation in Strategic Alliances: Another Look at Organizational Learning**, Asia Pacific Journal of Management, Vol. 17, No. 2, PP.201-222.
19. Porter, M. E., 2000, **Location, Competition, and Economic Development: Local Clusters in a Global Economy**, Economic Development Quarterly, Vol. 14, No. 1, PP. 15 - 34.
20. Smith, K. G., Collins, C. J. & Clark, K. D., 2005, **Existing Knowledge, Knowledge Creation Capability, and the Rate of New Product Introduction in High-Technology Firms**, the Academy of Management Journal, Vol. 48, No. 2, PP. 346-357.
21. Spencer, A. S., Kirchoff, B. A. & White, C., 2008, **Entrepreneurship, Innovation, and Wealth Distribution**, International Small Business Journal, Vol. 26, No. 1, PP. 9 -26.
22. Tradingeconomics, 2011, **Country Ranking By Unemployment Rates (Jobless Rate YoY)**, from <http://www.tradingeconomics.com/world-economy/unemployment-rates.aspx>.
23. Wadhwa, A. & Kotha, S., 2006, **Knowledge Creation Through External Venturing: Evidence from the Telecommunications Equipment Manufacturing Industry**, Academy of Management Journal, Vol. 49, No. 4, PP. 819 - 835.

24. Wennekers, S. & Thurik, R. ,1999, **Linking Entrepreneurship and Economic Growth**, Small Business Economics, Vol. 13, No. 1, PP. 27-56.
25. Wong, P. K., Ho, Y. P. & Autio, E., 2005, **Entrepreneurship, Innovation and Economic Growth: Evidence from GEM data**, Small Business Economics, Vol. 24, No. 3, PP. 335-350.
26. Worldbank, 2008, **Knowledge Economy Index (KEI) 2008 Rankings**, Retrieved from http://siteresources.worldbank.org/INTUNIKAM/Resources/KEI2008Highlights_final12052008.pdf
27. Zahra, S.A., 1993, **Environment, Corporate Entrepreneurship, and Financial Performance: a Taxonomic Approach**, Journal of Business Venturing, Vol. 8, No. 4, PP. 319-340.